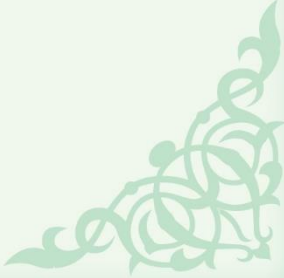
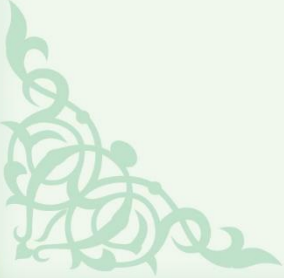




آسان ترین روش برای حفظ قرآن کریم

دکتر عبد المحسن بن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد النبی

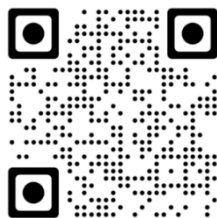
بر اساس منابع اهل سنت



آسان‌ترین روش

برای حفظ قرآن کریم

برای دانلود کتاب، کد را اسکن کنید



a-alqasim.com

آسان‌ترین روش برای حفظ قرآن کریم

دکتر عبد المحسن بن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد النبی

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ:

اما بعد: قطعاً قرآن کریم کلام پروردگار جهانیان است و در آن نور و هدایت قرار دارد و کتاب‌های گذشته به آن بشارت داده‌اند خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ «و همانا (توصیف) آن در کتاب‌های پیشینیان (نیز آمده) است.» و اهل کتاب به خاطر آن‌چه از قرآن بر پیامبر ما محمد ﷺ نازل می‌گشت خوشحال می‌شدند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنَتْهُمْ أَكْتَبَ يَفْرُحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾ «و کسانی که به آن‌ها کتاب (آسمانی) دادیم، به خاطر آنچه بر تو نازل شده خوشحال می‌شوند». ابن کثیر رَحِمَهُ اللَّهُ می‌گوید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنَتْهُمْ أَكْتَبَ﴾ «و کسانی که به آن‌ها کتاب (آسمانی) دادیم» در حالی که آنان به مقتضای آن عمل می‌کنند ﴿يَفْرُحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾ یعنی به خاطر آن‌چه از قرآن بر تو نازل می‌شود خوشحال می‌شوند؛ زیرا در کتاب‌هایشان شواهدی بر صدق آن وجود دارد و به آن بشارت داده شده است.^۱

و قرآن یک شرافت برای پیامبر ﷺ و قومش است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ﴾ «و بی‌گمان این (قرآن) برای تو و قومت پند (و سربلندی) است» و همچنین قرآن سبب رفعت برای کسی است که آن را تلاوت می‌کند؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا» (هرکس یک حرف از کتاب خدا بخواند برای او یک حسنه است و هر حسنه به ده برابر پاداش داده می‌شود). رواه الترمذی.^۲

به همین خاطر مسلمانان تلاش می‌کنند تا این ثواب را با حفظ قرآن به دست بیاورند در نتیجه روش‌های مختلفی برای حفظ کردن قرآن به وجود آمده است. در این کتاب راهی آسان را ارائه کرده‌ام که موجب سرعت حفظ، اتقان و آسانی تلاوت می‌گردد.

۱. تفسیر ابن کثیر (۴/۶۷/۴).

۲. أَبْوَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ مَا جَاءَ فِيهِ مِنْ قُرْآنٍ حَرْفًا مِنَ الْقُرْآنِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ (۲۹۱۰)، حدیث عبد الله بن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

نام این کتاب را «**آسان‌ترین روش برای حفظ قرآن کریم**» گذاشته‌ام.

از خداوند می‌خواهم آن را سودمند گرداند و آن را خالصانه برای خود قرار دهد.

وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّم عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

دکتر عبدالمحسن بن محمد القاسم

امام و خطیب مسجد النبی

در روز عید قربان سال ۱۴۴۲

نوشتن کتاب به اتمام رسید.

موضوعات کتاب

کتاب را به پنج فصل تقسیم کردم و ذیل هر فصل، مباحث آن را قرار دادم. طرح کلی کتاب از قرار ذیل است:

فصل اول: قرآن کریم؛ پنج مبحث در آن وجود دارد:

- مبحث اول: جایگاه قرآن.
- مبحث دوم: صفات قرآن.
- مبحث سوم: إعجاز قرآن.
- مبحث چهارم: حکمت نزول قرآن.
- مبحث پنجم: شادمانی به خاطر قرآن.

فصل دوم: یادگیری قرآن کریم؛ در آن شش مبحث وجود دارد:

- مبحث اول: مجالس قرآن.
- مبحث دوم: فضیلت یادگیری قرآن.
- مبحث سوم: فضیلت تلاوت قرآن.
- مبحث چهارم: فضیلت حفظ قرآن.
- مبحث پنجم: خشیت هنگام تلاوت قرآن.
- مبحث ششم: منزلت دوست قرآن.

فصل سوم: آسان‌ترین روش برای حفظ قرآن کریم؛ در آن شش مبحث وجود دارد:

- مبحث اول: قواعد و ضوابط حفظ.
- مبحث دوم: مقدار حفظ روزانه.
- مبحث سوم: روش حفظ قرآن.
- مبحث چهارم: روش مراجعه درس سابق.
- مبحث پنجم: جمع کردن میان حفظ و مراجعه.
- مبحث ششم: چگونه متشابهات را تشخیص دهیم؟

فصل چهارم: آسان‌ترین روش برای دور قرآن کریم؛ در آن سه مبحث وجود دارد:

- مبحث اول: اهمیت مراجعه قرآن کریم.
- مبحث دوم: روش اتقان قرآن.
- مبحث سوم: در چند روز قرآن را ختم کنی؟

فصل پنجم: اسناد در قرآن کریم؛ در آن سه مبحث وجود دارد:

مبحث اول: اهمیت اسناد در قرآن.

مبحث دوم: علمایی که اسناد قرآن را نقل می‌کنند.

مبحث سوم: خردسالانی که اسناد قرآن را نقل می‌کنند.

فصل اوّل قرآن کریم

پنج مبحث در آن وجود دارد:

مبحث اوّل: جایگاه قرآن.

مبحث دوم: صفات قرآن.

مبحث سوم: إعجاز قرآن.

مبحث چهارم: حکمتِ نزول قرآن.

مبحث پنجم: شادمانی به خاطر قرآن.

جایگاه قرآن

- قرآن عظیم، بهترین کتاب نازل شده و با فضیلت‌ترین آن‌هاست، به دلایل زیر:
۱. قطعاً کلام الله عَزَّوَجَلَّ بهترین کلام است، و برتری کلام وی بر کلام مخلوقات، مانند برتری خالق بر مخلوق است، و پیامبران قبل از نزول آن به آن بشارت داده‌اند؛ خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ «و همانا (توصیف) آن در کتاب‌های پیشینیان (نیز آمده) است». ابن کثیر رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: یاد و مدح این قرآن در کتاب‌های گذشتگان که از پیامبران به ارث مانده است وجود دارد.^۱
 ۲. خداوند سبحان، نفس مقدّسش را به خاطر نزول قرآن ستایش کرده و فرموده است: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ «حمد و سپاس مخصوص الله است که بر بنده‌اش کتاب را نازل کرد، و هیچ گونه کجی در آن قرار نداد».
 - و خداوند عَزَّوَجَلَّ به آن قسم یاد کرده و فرموده است: ﴿يَسَّ * وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ﴾ «یا سین. سوگند به قرآن حکیم».
 - و برای آن، بلندی در ذات و منزلتش نوشته و فرموده است: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾ «و قطعاً آن در اُمّ الکتاب (لوح محفوظ) نزد ما، بلند مرتبه و حکمت آمیز است».
 ۳. خداوند سبحان به وسیله آن بر این امت مَنّت نهاده و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ «قطعاً خداوند بر مؤمنان مَنّت نهاد، هنگامی که در میان آنان پیامبری را از خودشان مبعوث گرداند، که آیات او را بر آن‌ها می‌خواند و آنان را پاکیزه می‌گرداند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد». و در کتابش آن را بر بسیاری از نعمت‌ها مقدّم دانسته و می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ «رحمان. قرآن را یاد داد. انسان را آفرید. به او سخن گفتن آموخت».

۱. تفسیر ابن کثیر (۱/۶۳).

صفات قرآن

خداوند، قرآن را به صفت‌های بزرگی وصف نموده است؛ از جمله:

۱. قرآن «عزیز» است؛ یعنی هیچ چیز در عزّت همپای آن نیست، و هر کس خود را به آن نزدیک کند به عزّت دست پیدا می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَكِنْتُ عَزِيزٌ﴾ «و به راستی که آن کتابی ارجمند است».

۲. قرآن دارای جلالت و مکانت است و به کمال عظمت وصف شده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ﴾ «و همانا ما به تو سَبْعُ الْمَثَانِي (= سورة فاتحه) و قرآن عظیم دادیم».

۳. قرآن، مجید است یعنی کرامت‌های دنیوی و اخروی بسیاری دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ق وَالْقُرْءَانِ الْمَجِيدِ﴾ «قاف. قسم به قرآن مجید».

۴. قرآن، کریم است یعنی به بالاترین درجه شرف رسیده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ﴾ «همانا این، قرآنی کریم است».

۵. قرآن، حکیم است، و در آن حکمت وجود دارد. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ «این آیات کتاب حکیم است».

۶. قرآن، مبارک است و خیر و منفعت فراوان دارد. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ «و این کتابی است پُر برکت، که ما آن را نازل کردیم، پس از آن پیروی کنید، و پرهیزگار باشید، تا مورد رحمت قرار گیرید».

۷. قرآن در لفظ و معنایش روشن است، و روشن‌گر حقایق امور است. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ «این بیانی است برای مردم و هدایت و پندی برای پرهیزگاران است». ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: «برای ما در قرآن، هر علم و هر چیزی بیان شده است»^۱.

۱. تفسیر ابن کثیر (۵۹۴/۴).

إعجاز قرآن

۱. قرآن کریم کتابی است که هیچ کتابی با آن برابری نمی‌کند: ﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ «آیا برای آن‌ها کافی نیست که ما این کتاب را بر تو نازل کردیم و پیوسته بر آن‌ها تلاوت می‌شود؟!».

۲. قرآن کریم بهترین سخن است: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَدِّدًا مَّتَافِي نَفْسَعِرْمَنَهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ «الله بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که آیاتش شبیه به هم و مکرر است. از شنیدن آن، پوست کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، به لرزه می‌افتد، سپس پوست‌ها و دل‌های شان با یاد الله نرم می‌شود». شیخ الإسلام رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «این آیه دلالت می‌دهد که قرآن بهتر از سایر سخن‌های نازل شده از جانب خداوند و همچنین بهتر از سخن‌های نازل نشده است»^۱.

۳. قرآن کریم دربردارنده تمامی علوم و همچنین پرسودترین معارف است. در آن راست‌ترین خبرها وجود دارد و آشکارترین دلایل و برهان‌ها در آن یافت می‌شود. بهترین قصه‌ها در آن است و بلیغ‌ترین حکمت‌ها را در خود جای داده و زیباترین بلاغت‌ها و فصاحت‌ها را داراست.

۴. لفظ و نظم عربی قرآن، مختص آن است و هیچ چیز نمی‌تواند شبیه آن باشد؛ بنابراین قرآن در لفظش معجزه است و هیچ کلامی شبیه آن نیست. شیخ الإسلام رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «نفسی نظم قرآن و اسلوبش عجیب و جدید است. از جنس اسلوب‌های کلامی شناخته شده نیست و هیچ‌کس نظیر این اسلوب را نیاورده است. این اسلوب از جنس شعر نیست. از جنس رجز و خطابه و رساله نیست. ساختار این کلام نیز مانند ساختار هیچ یک از کلام‌های مردم، چه عرب و چه عجم نیست»^۲.

۵. إعجاز در معانی قرآن، بزرگ‌تر و بیش‌تر از إعجاز در الفاظ قرآن است. شیخ الإسلام رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «إعجاز در معنای آن بسیار بزرگ‌تر از إعجاز در لفظ آن است، و این که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ لِّينِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَتْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ «بگو: اگر انسان‌ها و جتیان،

۱. مجموع فتاوی شیخ الإسلام (۱۱/۱۷).

۲. الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح (۴۳۳/۵).

همگی جمع شوند برای این که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنان یاور برخی دیگر باشند» همه آن را در بر می‌گیرد، یعنی لفظ و معنای آن»^۱.

۶. کتاب خداوند در احکامش شامل است، و در قضاوتش عادل است، و در امر و نهیش دارای حکمت است، دارای هیبت و جلال است، و دارای قدرت و تأثیر و جمال است. کوچک‌ترین لفظش معجزه است و با ساده‌ترین دلیلش هدایتگر است و نشانه‌ای روشن و معجزه‌ای آشکار است. هیچ عاقلی آن را نمی‌شنود مگر این که به حقانیتش شهادت می‌دهد. جنیان آن را شنیدند و برخی به برخی دیگر گفتند ﴿أَنْصِتُوا﴾ «سکوت کنید» سپس به سوی قوم خود بازگشتند و گفتند: ﴿إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا مَجْبًا﴾ «ما قرآنی عجیب را شنیدیم».

حکمت نزول قرآن

۱. هیچ‌کس از کتاب خداوند بی‌نیاز نیست؛ پیامبر ما محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عاقل‌ترین تمام مردم بود ولی کمال عقلش او را به راه راست هدایت نکرد، بلکه هدایت او به وسیله قرآن بود؛ خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَحْمَةً مِنْ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ﴾ «(ای پیامبر!) بگو: اگر من گمراه شوم، تنها به زیان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یابم، به خاطر آن چیزی است که پروردگارم به من وحی می‌کند، یقیناً او شنوا و نزدیک است».

۲. خداوند قرآن را به عنوان موعظه و شفا و رحمت نازل کرد. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ «ای مردم! قطعاً از جانب پروردگارتان برای شما موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان».

۳. خداوند قرآن را نوری برای بندگان قرار داده است. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ «ای اهل کتاب! قطعاً پیامبر ما به سوی شما آمد تا بسیاری از حقایق کتاب آسمانی که کتمان کرده‌اید را برای شما آشکار سازد و از بسیاری در می‌گذرد، به راستی از جانب الله به سوی شما نور و کتابی آشکاری آمد».

۴. قرآن پایه اخلاق و مکارم است. سعد بن هشام رَحِمَهُ اللَّهُ می‌گوید: «ای اُمّ المؤمنین مرا از اخلاق پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خبر ساز. اُمّ المؤمنین فرمود: مگر تو قرآن نمی‌خوانی؟ عرض کردم: بله. فرمود: همانا اخلاق پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن بود».

شادمانی به خاطر قرآن

۱. شادمانی به خاطر قرآن عظیم از بالاترین مقامات ایمان است، و خداوند خبر داده است که اهل کتاب به خاطر نزول قرآن کریم خوشحال می‌شدند؛ خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ أَكْرَبُ إِلَيْكَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾ «و کسانی که به آن‌ها کتاب آسمانی دادیم، به خاطر آنچه بر تو نازل شده، خوشحال می‌شوند».

ابن کثیر رَحِمَهُ اللَّهُ می‌نویسد: «خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ أَكْرَبُ إِلَيْكَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾ «و کسانی که به آن‌ها کتاب آسمانی دادیم» آنان کسانی هستند که به مقتضای آن عمل می‌کنند ﴿يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ﴾ «به خاطر آنچه بر تو نازل شده، خوشحال می‌شوند» یعنی قرآن؛ به خاطر این که در کتاب‌هایشان شواهدی بر صدق آن وجود دارد و به آن بشارت داده شده است»^۱.

۲. شادمانی این امت به خاطر کتابش بیشتر از شادمانی دیگران است؛ به خاطر پیروی از دستور خداوند عَزَّجَلَّ برای شادمانی به آن؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا﴾ «بگو: به فضل الله و به رحمت او، پس باید به آن خوشحال شوند».

ابن کثیر رَحِمَهُ اللَّهُ می‌نویسد: «یعنی به خاطر این هدایت و دین حق که از جانب خداوند آمده است باید شادمان باشند؛ چرا که آن اولی‌ترین چیزی است که به خاطر آن خوشحال می‌شوند ﴿هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ «آن از هر چه می‌اندوزند بهتر است» یعنی بهتر از کالاهای دنیا و زیبایی‌های فانی و از بین رونده آن است»^۲.

۳. خوشبخت‌ترین مردم کسی است که خود را به کلام خدا نزدیک کند؛ چرا که آن نور است. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ﴾ «قطعاً از جانب الله، نوری به سوی شما آمد».

۱. تفسیر ابن کثیر (۴/۶۷۷).

۲. تفسیر ابن کثیر (۴/۲۷۵).

فصل دوم یادگیری قرآن

شش مبحث در آن وجود دارد:

مبحث اول: مجالس قرآن.

مبحث دوم: فضیلت یادگیری قرآن.

مبحث سوم: فضیلت تلاوت قرآن.

مبحث چهارم: فضیلت حفظ قرآن.

مبحث پنجم: خشیت هنگام تلاوت قرآن.

مبحث ششم: منزلت دوست قرآن.

مجالس قرآن

۱. مجالس قرآن، محلّ نزول سکینه و رحمت است. پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم می‌فرماید: «وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللّٰهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللّٰهِ، وَيَتَذَكَّرُونَ بِهِ بَيْنَهُمْ، اِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ» رواه مسلم^۱ (و هیچ قومی در خانه‌ای از خانه‌های خدا جمع نمی‌شوند که کتاب خداوند را تلاوت کنند و آن را میان خود مدرسه نمایند مگر این که آرامش و سکینه بر آنان نازل می‌شود و رحمت، آن‌ها را در بر می‌گیرد و فرشتگان گرداگرد آنان را می‌گیرند و خداوند آن‌ها را در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند).

۲. بهترین همنشینان برای یک شخص، اهل قرآن هستند. ابن عباس رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمَا می‌فرماید: «قاریان قرآن، اهالی مجلس عمر و مشاورین وی بودند، تفاوتی نداشت که آن قاریان، پیر بودند یا جوان». رواه البخاری^۲.

۳. اهل قرآن، به معانی آن آگاه هستند و آنان همان علمای حقیقی هستند. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿بَلْ هُوَ آيَتٌ بَيِّنَةٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ «بلکه آن، آیاتی روشن است، در سینه کسانی که به آنان دانش داده شده است».

۴. هر کس خالصانه به سمت قرآن بیاید، خداوند منزلت او را بالا می‌برد. عمر رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ می‌فرماید: «همانا پیامبرتان صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم فرموده است: قطعاً خداوند به وسیله این کتاب گروهی را بالا می‌برد و به وسیله آن گروهی دیگر را پایین می‌آورد» رواه مسلم^۳.

۱. کتاب الذِّکْرِ وَالِدُّعَاءِ وَالتَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ، بَابُ فَضْلِ الْجَمَاعَةِ عَلَى تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَعَلَى الذِّكْرِ، رقم (۲۶۹۹)، حدیث ابوهریره رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ.

۲. کتاب تفسیر القرآن، باب ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾، رقم (۴۶۴۲).

۳. کِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَضَائِهَا، بَابُ فَضْلِ مَنْ يَقُومُ بِالْقُرْآنِ وَيُعَلِّمُهُ، رقم (۸۱۷)، بخشی از حدیث غامِرِ بْنِ وَائِلَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ.

فضیلت یادگیری قرآن

۱. خداوند به بندگانش قرآن را یاد داده است و تلاوت و حفظش را برای آنان آسان ساخته است. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ «رحمان. قرآن را تعلیم داد.» ابن کثیر رَحِمَهُ اللهُ می‌نویسد: «خداوند قرآن را بر بندگانش نازل فرمود و حفظ و فهمش را برای کسی که او را مورد رحمتش قرار داده باشد آسان ساخته است.»^۱ به همین خاطر قرآن را عرب و عجم و کوچک و بزرگ و مرد و زن و غنی و فقیر تلاوت می‌کنند و آن را حفظ می‌کنند.

۲. ابراهیم و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَام دعا کردند که خداوند پیامبری را برای تلاوت و تعلیم کتابش مبعوث کند. آن دو این گونه دعا کردند: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ «پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان مبعوث کن، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد».

۳. کسانی که قرآن را آموزش می‌دهند و کسانی که قرآن را یاد می‌گیرند بهترین مردمان هستند. پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» رواه البخاری^۲ (بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد).

۴. یادگیری قرآن بهتر از اموال دنیا است؛ پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَفَلَا يَغْدُو أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيُعَلِّمُ، أَوْ يَقْرَأُ آيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ نَاقَتَيْنِ، وَثَلَاثِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلَاثٍ، وَأَرْبَعِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَرْبَعٍ، وَمِنْ أَعْدَادِهِنَّ مِنَ الْإِبِلِ» رواه مسلم^۳ (آیا یکی از شما به مسجد نمی‌رود تا دو آیه از کتاب خداوند را یاد بگیرد یا بخواند؛ چرا که آن برایش از دو شتر بهتر است. و سه آیه، بهتر از سه شتر است. و چهار آیه، بهتر از چهار شتر است. و هر تعداد آیه به همان تعداد، بهتر از شتر است).

۵. پیشینیان بر تعلیم قرآن به کودکان حریص بودند؛ تا ایمان در دل‌های آن‌ها ریشه بدواند. ابن خلدون رَحِمَهُ اللهُ می‌نویسد: «آموزش قرآن به کودکان، شعار دین است، و دینداران آن را اجرا می‌کنند، و همه شهرهای اسلامی آن را رعایت می‌کنند؛ چرا که این نوع آموزش سبب رسوخ ایمان و باورهای اسلامی می‌گردد، آن هم به خاطر آیات قرآن و متون احادیث است. بنابراین آموزش قرآن به عنوان یک اصل پذیرفته شده

۱. تفسیر ابن کثیر (۴/۸۹).

۲. کتاب فضائل القرآن، باب خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ، رقم (۵۰۲۷)، حدیث عثمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ.

۳. كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَضَائِهَا، بَابُ فَضْلِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ وَتَعْلِيمِهِ، رقم (۸۰۳)، حدیث عقبه بن عامر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ.

است که آموزش‌های تکمیلی بر روی آن بنا می‌شود».^۱

۶. چون پیشینیان، فضیلت یادگیری قرآن را دریافتند حتی در سفرهایشان نیز این یادگیری را ادامه می‌دادند. ابوبکر احمد الشَّذَائِي رَحِمَهُ اللهُ در سفری ۸۴۷ کیلومتری از بغداد تا دمشق با استادش همراه شد تا قرآن را بر وی بخواند. او می‌گوید: «قرآن را در بغداد نزد ابوالحسن بن الأخرم تا سوره توبه خواندم. سپس استادم از بغداد خارج شد و من نیز با او همراه شدم. در راه، نزد او می‌خواندم تا این که قرآن را در دمشق نزدش ختم کردم».^۲

۱. تاریخ ابن خلدون (۷۴۰/۱).

۲. جمال القراء وكمال الإقراء (ص ۵۵۳).

فضیلت تلاوت قرآن

۱. خداوند به قاری قرآن ثواب فراوانی عنایت می‌فرماید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده است: «مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ **﴿آلَ﴾** حَرْفٌ، وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَاَمٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ» رواه الترمذی^۱ (هر کس یک حرف از کتاب خداوند بخواند برای او یک حسنه نوشته می‌شود. و هر حسنه به ده برابر پاداش داده می‌شود. من نمی‌گویم **﴿آلَ﴾** یک حرف است؛ بلکه الف یک حرف و لام یک حرف و میم یک حرف است).

۲. تلاوت قرآن یکی از اسباب ثبات و پایداری است. خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾** «و کسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکباره بر او نازل نمی‌شود؟! این گونه (آن را بخش بخش نازل کردیم) تا با آن، قلب تو را استوار سازیم، و آن را آرام آرام بخوانیم». ابن کثیر رحمه‌الله می‌نویسد: «قرآن به صورت پراکنده در طول ۲۳ سال با توجه به وقایع و حوادث و همچنین احکامی که مورد نیاز بود نازل گشت، تا دل‌های مؤمنان به وسیله آن تثبیت یابد»^۲.

۳. قرآن حجّتی برای اهلش در روز قیامت است، و شفاعت‌گری است که شفاعتش نزد پروردگار جهانیان پذیرفته می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید: «**اقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ**» رواه مسلم^۳ (قرآن بخوانید؛ چرا که قرآن در روز قیامت شفاعت‌گر یارانش خواهد بود).

۱. أَبْوَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وسلم، بَابُ مَا جَاءَ فِيهِ مِنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنَ الْقُرْآنِ مَالَهُ مِنَ الْأَجْرِ، رقم (۳۱۷۱)، حدیث ابن مسعود رضی‌الله‌عنه.

۲. تفسیر ابن کثیر (۱۰۹/۶).

۳. كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَضَائِهَا، بَابُ فَضْلِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَسُورَةِ الْبَقَرَةِ، رقم (۸۰۴)، حدیث أَبُو أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رضی‌الله‌عنه.

فضیلت حفظ قرآن

۱. حافظ قرآن همراه با فرشتگان گرامیست. پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، وَهُوَ حَافِظٌ لَهُ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَمَثَلُ الَّذِي يَقْرَأُ، وَهُوَ يَتَعَاهَدُهُ، وَهُوَ عَلَيْهِ شَدِيدٌ فَلَهُ أَجْرَانِ» رواه البخاری^۱ (وضعیت کسی که قرآن می‌خواند در حالی که آن را از حفظ است و بر آن محافظت می‌کند این گونه است که او همراه با فرشتگان گرامی و نیکوکار است، و کسی که قرآن می‌خواند و آن را تکرار می‌کند در حالی که برای او سخت است، دو برابر پاداش دارد).

۲. توصیه علماء، حفظ کتابِ عظیم خداوند است. ابن جوزی رَحِمَهُ اللّٰهُ می‌نویسد: «دانش آموز باید بنگرد چه چیز از علم را حفظ می‌کند؛ چرا که عمر، بسیار ارزشمند است و علم دارای شاخه‌های فراوان. برخی از مردم زمان خود را صرف حفظ چیزی می‌کنند که اولویت ندارد؛ هرچند همه علوم نیکو هستند ولی اولویت با چیزی است که اهمیت و افضلیت دارد. با فضیلت ترین چیزی که شایسته است به آن مشغول باشیم حفظ قرآن است»^۲.

۳. پیشینیان، مشتاق بودند که کودکان، قرآن را حفظ کنند. ابن جوزی رَحِمَهُ اللّٰهُ می‌نویسد: «وضعیت سَلَف این گونه بود که وقتی فرزندشان رشد می‌یافت او را مشغول حفظ قرآن و شنیدن احادیث می‌کردند و بدین وسیله ایمان در قلبش رسوخ پیدا می‌کرد»^۳.

۴. سن زیاد، مانعی برای حفظ قرآن نیست؛ چرا که نزول وحی وقتی کامل شد که ابوبکر صَدِیق رَحِمَهُ اللّٰهُ عَنْهُ ۶۱ سال سن داشت، و با این وجود، ایشان قرآن را به صورت کامل حفظ نمودند. نووی رَحِمَهُ اللّٰهُ می‌نویسد: «وی از بزرگان صحابه است که قرآن را به صورت کامل حفظ کرده است»^۴.

ابو عبد الله بن عمر ابن حَمْوِیه در حالی که به سن ۸۰ سالگی رسیده بود قرآن را حفظ کرد.^۵

۵. هر کس چیزی از کتاب خدا را حفظ نکند دلش مانند خانه ویرانه است. پیامبر

۱. كِتَابُ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، بَابُ ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ زُمْرَاءُ، رَقْم (۴۹۳۷)، وَمُسْلِمٌ، كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَضَائِهِمَا، بَابُ فَضْلِ الْمَاهِرِ فِي الْقُرْآنِ، وَالَّذِي يَتَتَعَتَّعُ فِيهِ، رَقْم (۷۹۸)، حَدِيثُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا.

۲. صيد الخاطر (ص ۱۹۳).

۳. صيد الخاطر (ص ۴۹۱).

۴. تهذيب الأسماء واللغات (۱۹۱/۲).

۵. البداية والنهاية (۲۷۵/۱۷).

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ»^۱ رواه التِّرْمِذِيُّ (همانا کسی که در دلش چیزی از قرآن نباشد مانند خانه خرابه است).

۱ . أَبْوَابُ فَصَائِلِ الْقُرْآنِ، باب، رقم (۲۹۱۳)، حدیث ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا.

خشیت هنگام تلاوت قرآن

۱. قرآن پُر از پندها و بازدارنده‌ها و تکالیف است. اگر قرآن بر کوهی نازل می‌شد می‌دیدید که از ترس خداوند، خاشع و تگّه تگّه می‌شد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنزَلْنَاهُ الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ لِنَاسٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، یقیناً آن را از ترس الله، خاشع و از هم پاشیده می‌دیدید. و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که بیندیشند».

۲. آیات قرآن، بزرگان را به گریه انداخت:

الف. ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آیاتی از سوره نساء را تلاوت کرد، وقتی به این آیه رسید ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ «پس چگونه است حال آن‌ها وقتی از هر امتی گواهی می‌آوریم، و تو را نیز بر این ها گواه می‌آوریم؟!» پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وی فرمود: کافیست. ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگاه کردم، ناگاه دیدم که چشمانشان اشک می‌ریخت. متفق علیه^۱.

عبد الله بن شخیر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: «نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدم در حالی که ایشان نماز می‌گذارد و به خاطر گریه، از دلشان صدایی مثل جوشش دیگ بیرون می‌آمد.» رواه النسائی^۲.

ب. عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گوید: «ابوبکر مردی بسیار گریه کننده بود؛ هنگام قرائت قرآن نمی‌توانست اشک چشمش را کنترل کند.» رواه البخاری^۳.

ج. عبید بن عُمیر رَحِمَهُ اللَّهُ می‌گوید: «عمر بن خطاب برای ما نماز صبح خواند؛ سوره یوسف را تلاوت کرد تا این که به این آیه رسید ﴿وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾ «و چشمانش از اندوه سفید شد، در حالی که اندوه خود را فرو می‌برد.» عمر آن قدر گریه کرد که صدایش گرفت و به رکوع رفت»^۴.

ابن ابی مُلَیکه رَحِمَهُ اللَّهُ می‌گوید: «با ابن عباس از مدینه تا مکه همراه شدم. وی دو رکعت نماز می‌خواند. وقتی برای استراحت در جایی ماندیم او نیمه شب برخاست و

۱. رواه البخاری، کِتَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ قَوْلِ الْمُقْرِئِ لِلْقَارِئِ: حَسْبُكَ، رقم (۵۰۵۰)، ومسلم، کِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا، بَابُ فَضْلِ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ، وَطَلَبِ الْقِرَاءَةِ مِنْ حَافِظِهِ لِلاِسْتِمَاعِ وَالْبُكَاءِ عِنْدَ الْقِرَاءَةِ وَالتَّذَكُّرِ، رقم (۸۰۰).

۲. کِتَابُ السَّهْوِ، بَابُ الْبُكَاءِ فِي الصَّلَاةِ، رقم (۱۲۱۴).

۳. کِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ الْمَسْجِدِ يَكُونُ فِي الطَّرِيقِ مِنْ غَيْرِ ضَرَرٍ بِالنَّاسِ، رقم (۴۷۶).

۴. فضائل القرآن؛ قاسم بن سلام (ص ۱۳۷).

قرآن را تلاوت کرد، حرف به حرف می‌خواند و در میان آن به شدت گریه می‌کرد»^۱. ه. عبدالله بن عروة بن زبیر رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «به مادر بزرگم اسماء دختر ابوبکر گفتم: اصحاب پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شد چگونه بودند؟ وی گفت: آن‌ها همان گونه بودند که خداوند عَزَّوَجَلَّ آنان را وصف کرده است؛ چشمانشان اشک می‌بارید و پوست‌هایشان می‌لرزید»^۲.

و. جعفر طیار رَحِمَهُ اللهُ عَنْهُ بر نجاشی ابتدای سوره مریم را تلاوت کرد، نجاشی آن قدر گریه کرد که ریش‌هایش خیس شد، و اُسُقُف‌های او آن قدر گریه کردند که کتاب‌هایشان خیس شد». مُسْنَدُ احمد^۳.

ز. ابوصالح سَمَّان رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «وقتی در زمان ابوبکر رَحِمَهُ اللهُ عَنْهُ اهل یمن آمدند و قرآن را شنیدند، شروع به گریه کردن نمودند. ابوبکر صدیق رَحِمَهُ اللهُ عَنْهُ فرمود: ما این-گونه بودیم، سپس قلب‌ها سخت شد»^۴.

۱. البدایة والنهاية (۳۳۴/۸).

۲. تفسیر بغوی (۸۶/۴).

۳. مسند احمد، رقم (۱۷۴۰).

۴. حلیة الأولیاء (۳۳/۱).

منزلتِ دوستِ قرآن

۱. اهل قرآن همان اهل خدا و مقربان درگاه اویند. پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ» قِيلَ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَهْلُ الْقُرْآنِ هُمْ أَهْلُ اللَّهِ، وَخَاصَّتُهُ» رواه احمد^۱ (همانا برای خداوند در میان مردمان، اهلی وجود دارد. پرسیده شد: ای پیامبر خدا! آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: اهل قرآن، همان اهل خداوند و مقربان او هستند).

۲. کتاب خداوند، عزیز است، و هر کس به آن نزدیک شود خداوند منزلتش را بالا می‌برد. انس رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ می‌فرماید: «هرگاه در میان ما شخصی سوره بقره و آل عمران را فرا می‌گرفت از جمله بزرگان به حساب می‌آمد» مُسْنَدُ احمد^۲.

عبد الله بن عمر رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمَا می‌فرماید: «هر کس تمام قرآن را حفظ کند قطعاً کاری بزرگ را به دوش کشیده است؛ او همانند یک پیامبر است، به جز این که به او وحی نمی‌شود. و شایسته نیست صاحب قرآن، همانند دیگران تندخویی و بدرفتاری کند و با نادانان همراهی کند؛ چرا که در دل او کلام خداوند عَزَّوَجَلَّ قرار دارد»^۳.

۳. خداوند وعده داده است کسی که در قرآن مهارت دارد همراه با فرشتگان قرار می‌گیرد. پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَةِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ^۴ (کسی که در قرآن مهارت دارد همراه با فرشتگان گرامی و نیکوکار است).

قاضی عیاض رَحِمَهُ اللّٰهُ می‌گوید: «خداوند بهتر می‌داند، احتمالاً به این معناست که در آخرت منزلتی دارد که در آن‌جا فرشتگان وحی هم صحبت اویند؛ چرا که او نیز همانند آنان، حامل کتاب خداوند است. و احتمال دارد مراد حدیث این‌گونه باشد: او کار فرشتگان وحی را انجام می‌دهد و روش آنان را در پیش گرفته است»^۵.

۴. اندیشمندان، قاریان را به عنوان هم‌نشین و مشاور خویش انتخاب می‌کنند. ابن عباس رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمَا می‌گوید: «قاریان، هم‌نشینانِ مجالسِ عُمَر و مشاوران وی بودند؛ فرقی

۱. مسند احمد، رقم (۱۲۲۹۲).

۲. مسند احمد، رقم (۱۲۲۱۶).

۳. فضائل القرآن، قاسم بن سلام (ص ۱۱۳).

۴. صحیح بخاری، کتاب تفسیر القرآن، بَابُ ﴿يَوْمَ يُفَخُّ فِي الصُّورِ فَأَتُونَ أَفْوَاجًا﴾، رقم (۴۹۳۷)، و صحیح مسلم، كِتَابُ صَلَاةِ الْمَسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا، بَابُ فَضْلِ الْمَاهِرِ فِي الْقُرْآنِ، وَالَّذِي يَتَتَعْتَعُ فِيهِ، رقم (۷۹۸)، حدیث عائشة رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهَا.

۵. إكمال المعلم (۱۶۶/۳).

نداشت پیر باشند یا جوان». رواه البخاری^۱.

۵. حافظ قرآن در زندگی‌اش و پس از مرگش گرمی داشته می‌شود؛ در زندگی‌اش این-گونه است که: «يَوْمُ الْقَوْمِ أَقْرَوْهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ» رواه مسلم^۲ (کسی که قاری‌تر است امام مردم می‌شود) و بعد از مرگش نیز این‌گونه است که: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجْمَعُ بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ مِنْ قَتَلَى أَحَدٍ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، ثُمَّ يَقُولُ: «أَيُّهُمَا أَكْثَرُ أَخْذًا لِلْقُرْآنِ»، فَإِذَا أُشِيرَ لَهُ إِلَى أَحَدِهِمَا قَدَّمَهُ فِي اللَّحْدِ» رواه البخاری^۳ (پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ احد دو نفر از شهداء را (با همان وضعیتی که شهید شده بودند) در یک کفن قرار می‌داد، و می‌پرسید: کدام یک از آن دو قرآن را بیشتر حفظ است؟ وقتی به یکی از آن‌ها اشاره می‌شد، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وی را در لحد، جلو قرار می‌داد).

۶. یار قرآن در بالاترین درجات بهشت است. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنَزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَأُ بِهَا» رواه الترمذی^۴ (به دوست و صاحب قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا برو، و همان‌گونه که در دنیا می‌خواندی تلاوت کن. جایگاه تو نزد آخرین آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کنی).

۱. کتاب تفسیر القرآن، باب ﴿خُذِ الْقَوْمَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾، رقم (۴۶۴۲).

۲. كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ، بَابُ مَنْ أَحَقُّ بِالْإِمَامَةِ، رقم (۶۷۳)، حدیث ابو مسعود الأنصاری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

۳. کتاب الجنائز، بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى الشَّهِيدِ، رقم (۱۳۴۳)، حدیث جابر بن عبد الله رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

۴. أَبْوَابُ فَصَائِلِ الْقُرْآنِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باب، رقم (۲۹۱۴)، حدیث عبد الله بن عمرو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

فصل سوم

آسان‌ترین روش برای حفظ قرآن کریم

شش مبحث در این فصل وجود دارد:

مبحث اول: قواعد و ضوابط حفظ

مبحث دوم: مقدار حفظ روزانه

مبحث سوم: روش حفظ قرآن

مبحث چهارم: روش مراجعه درس سابق

مبحث پنجم: جمع کردن میان حفظ و مراجعه

مبحث ششم: چگونه متشابهات را تشخیص دهیم؟

قواعد و ضوابط حفظ قرآن

۱. فرآیند حفظ از روی یک مصحف مشخص باشد؛ (مصحفی که از لحاظ چاپ، یک نوع مشخص باشد) تا بدین گونه به رسوخ حفظ و سرعت یادآوری جایگاه آیات و ابتدا و اواخر صفحات کمک کند.
۲. لازم است فرآیند حفظ تو نزد یک شیخ انجام شود تا تلاوت تصحیح گردد.
۳. لازم است هر روز به حفظ کردن مشغول باشی؛ چرا که فاصله افتادن در این مسیر، موجب سست شدن و همچنین موجب ضعف حفظ می گردد.
۴. اصل اساسی در حفظ، همان تکرار است؛ هرچه تکرار بیشتر باشد حفظ، متقن تر است.
۵. حفظ کردن از سوره ناس به سمت سوره بقره رخ دهد؛ چرا که آسان تر است. و پس از اتمام حفظ مراجعات از سوره بقره به سمت سوره ناس می باشد.
۶. هرگاه فرصت حفظ و مراجعه را با هم نداشتی حتماً مراجعه را بر حفظ مقدم بدار.
۷. هرگز به سراغ حفظ صفحه جدید نرو مگر بعد از این که حفظ های ما قبل را به اتقان رسانده باشی؛ یعنی بتوانی محفوظات را بدون خطا و بدون بازگشت بخوانی.
۸. همه کسانی که مشغول حفظ قرآن هستند در دو سال اول دچار فراموشی محفوظاتشان می گردند، به این مرحله «مرحله انباشت» می گوئیم؛ بنابراین به خاطر فراموشی محفوظات قرآنی یا اشتباهات فراوانت اندوهگین مشو؛ چرا که این یک مرحله سخت برای آزمایش تو است، و شیطان می تواند با وسوسه خود تو را از حفظ و مراجعه قرآن باز دارد؛ پس به وساوس شیطانی توجه نکن و به راه خود در مسیر حفظ قرآن ادامه بده؛ چرا که حفظ قرآن گنجی است که نصیب هر شخصی نمی گردد.

مقدار حفظ روزانه

۱. هر روز یک صفحه را حفظ کن. اگر حفظ بسیار خوبی داری می‌توانی یک صفحه دیگر را نیز اضافه کنی، ولی اگر بدون اتقان، حفظ خود را زیاد کنی بدان که محفوظاتت ضعیف می‌گردد. و اگر نمی‌توانی روزانه یک صفحه حفظ کنی پس هر چقدر می‌توانی حفظ کن.

۲. در یک روز بیشتر از دو صفحه حفظ نکن، تا این که محفوظاتت را از دست ندهی؛ چرا که هر کس سریع حفظ کند سریع نیز فراموش می‌کند.

روش حفظ قرآن

برای حفظ قرآن راه‌های زیادی وجود دارد، من برای تو راهی را ذکر می‌کنم که باعث سرعتِ حفظ و قوّتِ حفظ و اتقانِ حفظ می‌گردد.

این روش را با توجه به صفحه اول سوره جمعه توضیح می‌دهم:

- صفحه را به صورت کامل نزد معلّم از رو بخوان، تا این که در قرائت آن به اتقان برسی.

- سپس صفحه را برای حفظ کردن، به دو قسمت تقسیم کن:

قسمت اول: شامل نیم صفحه اوّل می‌گردد و این گونه به حفظ آن می‌پردازی:^۱

۱- آیه اوّل را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾.

۲- آیه دوم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيَّةِ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَقُولُ بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.

۳- آیه اول را با آیه دوم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ برای این که میان آن دو ارتباط برقرار شود.

۴- آیه سوم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿وَالْآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.

۵- آیه دوم را با آیه سوم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ برای این که میان آن دو ارتباط برقرار شود.

۶- آیه چهارم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾.

۷- آیه سوم را با آیه چهارم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ برای این که میان آن دو ارتباط برقرار شود.

۸- این چهار آیه را از ابتدا تا انتها، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ برای این که میان آن‌ها ارتباط برقرار شود.

۱. مؤلف در این جا بر تکرار تأکید دارد، بنابراین حفظ کردنِ آیه را ذکر نکرده است؛ یعنی مراد مؤلف این است که ابتدا آیه را حفظ می‌کنی و سپس برای تسلط بر آن، آیه را ۲۰ مرتبه از حفظ تکرار می‌کنی. (مترجم)

قسمت دوم: نیم صفحه دوم:

سپس به سراغ نیمه دوم آن صفحه برو و این‌گونه به حفظ آن پرداز:

- ۱- آیه پنجم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾.
- ۲- آیه چهارم را با آیه پنجم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ تا میان آن دو ارتباط برقرار شود.
- ۳- آیه ششم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾.
- ۴- آیه پنجم را با آیه ششم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ تا میان آن دو ارتباط برقرار شود.
- ۵- آیه هفتم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾.
- ۶- آیه ششم را با آیه هفتم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ تا میان آن دو ارتباط برقرار شود.
- ۷- آیه هشتم را ۲۰ مرتبه از حفظ بخوان: ﴿قُلْ إِنِ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنْفَخُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.
- ۸- آیه هفتم را با آیه هشتم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ تا میان آن دو ارتباط برقرار شود.
- ۹- از آیه پنجم تا آیه هشتم، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ تا میان آن‌ها ارتباط برقرار شود.
- ۱۰- این صفحه را به صورت کامل، ۱۰ مرتبه از حفظ بخوان؛ تا در حفظ این صفحه به اتقان برسی.

*** تذکر:**

در هنگام حفظ کردن، خود را مقید به یک آیه کامل نکن؛ چرا که ممکن است آیه طولانی یا بسیار کوتاه باشد، ولی تو برای حفظ کردن، به اندازه یک سطر یا دو سطر اکتفا کن.

ما در این مثال از آیات سوره جمعه استفاده کردیم؛ چرا که آیات آن به اندازه یک سطر یا دو سطر است.

روش مراجعه حفظ جدید

- قبل از این که به حفظ درس جدید مشغول شوی، کارهای زیر را انجام بده:
۱. آن‌چه در پنج روز گذشته حفظ کرده‌ای را تا محلّ حفظِ درسِ جدید مرور کن.
 ۲. پس از آن، شروع به حفظ درس جدید کن؛ همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد.

جمع کردن میان حفظ و مراجعه

حفظ فقط به وسیله مراجعه و مرور، رسوخ پیدا می‌کند. ابن جوزی رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید: «استمرار در کار، یک اصل بسیار بزرگ است؛ چه بسیار افرادی که پس از آن که چیزی را حفظ کردند مرور آن را رها کردند، و در نتیجه زمان زیادی را صرف نمودند تا محفوظاتی را که فراموش کرده‌اند بازگردانند»^۱.

هر کس قرآن کریم را کامل کند ولی مراجعه و مرور نداشته باشد وقتی به حفظ خود بازگردد متوجه می‌شود که آن را فراموش کرده است. بهترین روش، جمع میان حفظ قرآن و مرور آن در یک زمان است.

روش جمع میان حفظ و مرور بدین صورت است:

۱. در هنگام حفظ از سوره ناس تا سوره احقاف، روزانه نصف جزء را مرور کن تا این که به جایی که حفظ هستی برسی.
 ۲. در هنگام حفظ از سوره جاثیه تا سوره عنکبوت، روزانه یک جزء را از سمت سوره ناس مرور کن تا به جایی که حفظ هستی برسی.
 ۳. در هنگام حفظ از سوره قصص تا سوره کهف، روزانه یک جزء و نیم را از سمت سوره ناس مرور کن تا به جایی که حفظ هستی برسی.
 ۴. در هنگام حفظ از سوره اِسرائ تا سوره توبه، روزانه دو جزء از سمت سوره ناس مرور کن تا به جایی که حفظ هستی برسی.
 ۵. در هنگام حفظ از سوره انفال تا سوره مائده، روزانه دو جزء و نیم از سمت سوره ناس مرور کن تا به جایی که حفظ هستی برسی.
 ۶. در هنگام حفظ از سوره نساء تا سوره بقره، روزانه سه جزء از سمت سوره ناس مرور کن تا به جایی که حفظ هستی برسی.
- توضیح این مراحل در جدول زیر بیان شده است:

مرحله	میزان محفوظات	میزان مراجعه
۱	از سوره ناس تا سوره احقاف	نصف جزء
۲	از سوره جاثیه تا سوره عنکبوت	یک جزء
۳	از سوره قصص تا سوره کهف	یک جزء و نصف

دو جزء	از سوره اِسرائ تا سوره توبه	۴
دو جزء و نصف	از سوره انفال تا سوره مائده	۵
سه جزء	از سوره نساء تا سوره بقره	۶

وقتی کتاب خدا را به صورت کامل همراه با مراجعه به اتمام رساندی به مرحله اتقان منتقل شو همان‌گونه که در بحث «روش اتقان قرآن» توضیح داده شده است.^۱

چگونه متشابهات را تشخیص دهیم؟

هرگاه آیات قرآن بر تو مُشْتَبَه شد (یعنی آن‌ها را با هم‌دیگر قاطی کردی) بهترین روش برای تشخیص آن‌ها این است:

۱. مصحف را باز کن و به آیات متشابه نگاه کن، سپس به تفاوت‌های آن‌ها دقت کن، در آن فکر کن، و برای خودت رمزی برای تشخیص میان آن دو قرار بده.
۲. در هنگام مراجعه، بارها به تفاوت میان متشابهات دقت کن تا بر محل‌های متشابه مسلط گردی.

فصل چهارم

آسان‌ترین روش برای مراجعه قرآن کریم

در این فصل، سه مبحث وجود دارد:

مبحث اول: اهمیت مراجعه قرآن کریم.

مبحث دوم: روش اتقان قرآن.

مبحث سوم: در چند روز قرآن را ختم کنی؟

اهمیت مراجعه قرآن کریم

۱. قرآن کریم، کلام الله است و کلام خدای سبحان مانند کلام بشر نیست، و اگر حافظ به آن مراجعه نکند آن را از دست می‌دهد. عبد الله بن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «**اسْتَذْكِرُوا الْقُرْآنَ فَلَهُوَ أَشَدُّ تَفْصِيًّا مِنْ صُدُورِ الرِّجَالِ، مِنْ النَّعَمِ بِعَقْلِهَا**» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ^۱ (قرآن را مرور کنید؛ چرا که آن سریع‌تر از شتری که در عقال^۲ بسته شده، از سینه‌های مردم فرار می‌کند).

۲. از جمله حکمت‌های خداوند در قضیه فرار کردن قرآن از سینه‌ها، این است که مردم را به کثرت تلاوتش فرا بخواند؛ تا بنده اجر و ثواب به دست آورد.

۳. خوب است که مراجعه قرآن، نزد یک معلّم انجام شود؛ چرا که باعث رسوخ بیشتر محفوظات می‌گردد. اَعْمَش رَحِمَهُ اللَّهُ می‌گوید: «قرآن را نزد یحیی بن وثّاب، سی مرتبه خواندم»^۳.

۱. رواه البخاری، كِتَابُ فَصَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ اسْتِذْكَارِ الْقُرْآنِ وَتَعَاهُدِهِ، رقم (۵۰۳۲)، ومسلم، كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا، بَابُ الْأَمْرِ بِتَعَهُدِ الْقُرْآنِ، وَكَرَاهَةِ قَوْلِ نَسِيْتُ آيَةَ كَذَا، وَجَوَازِ قَوْلِ أُنْسِيْتُهَا، رقم (۷۹۰).

۲. طنابی که با آن شتر را می‌بندند.

۳. معجم الأوسط (۵۲/۲).

روش اِتقان حفظ قرآن

پس از این که بر اساس روش گفته شده، قرآن را کامل حفظ و مراجعه کردی، به مرحله اِتقان، منتقل می‌شوی و آن این گونه است:

۱. مراجعه کامل قرآن را از سوره بقره به سمت سوره ناس انجام بده.
 ۲. هر روز پنج جزء را بخوان؛ این گونه کل قرآن را در هر شش روز ختم می‌کنی.
 ۳. این روش را یک سال کامل اجرا کن.
- با این روش در طی یک سال، حفظ کامل قرآن را به اِتقان می‌رسانی. بِإِذْنِ اللَّهِ.

در چند روز قرآن را ختم کنی؟

بعد از مرحله اتقان نوبت به مرحله مراجعه می‌رسد؛ به گونه‌ای که قرآن را هر هفته از حفظ ختم کنی. علماء حزب‌های هفتگی را در این جمله جمع کرده‌اند: (فَمِی بِشَوِقٍ)^۱ هر حرف این عبارت، آغاز یک حزب روزانه است؛ بدین صورت:

- ۱- حرف **فاء** در (فَمِی) اشاره به این دارد که حزبِ روز اوّل از سوره «فاتحه» شروع می‌شود و تا پایان سوره «نساء» ادامه دارد.
- ۲- حرف **میم** در (فَمِی) اشاره به این دارد که حزبِ روز دوم از سوره «مائده» شروع می‌شود و تا پایان سوره «توبه» ادامه دارد.
- ۳- حرف **یاء** در (فَمِی) اشاره به این دارد که حزبِ روز سوم از سوره «یونس» شروع می‌شود و تا پایان سوره «نحل» ادامه دارد.
- ۴- حرف **باء** در (بِشَوِقٍ) اشاره به این دارد که حزبِ روز چهارم از سوره «بنی اسرائیل» - که سوره «إسراء» نیز نامیده می‌شود- شروع می‌شود و تا پایان سوره «فرقان» ادامه دارد.
- ۵- حرف **شین** در (بِشَوِقٍ) اشاره به این دارد که حزبِ روز پنجم از سوره «شُعراء» شروع می‌شود و تا پایان سوره «یس» ادامه دارد.
- ۶- حرف **واو** در (بِشَوِقٍ) اشاره به این دارد که حزبِ روز ششم از سوره «وَالصّافات» شروع می‌شود و تا پایان سوره «حجرات» ادامه دارد.
- ۷- حرف **قاف** در (بِشَوِقٍ) اشاره به این دارد که حزبِ روز هفتم از سوره «ق» شروع می‌شود و تا پایان سوره «ناس» ادامه دارد.

این دسته بندی در جدول زیر نشان داده شده است:

ردیف	فَمِی بِشَوِقٍ	حزب
۱	فاء	از سوره «فاتحه» تا پایان سوره «نساء»
۲	میم	از سوره «مائده» تا پایان سوره «توبه»
۳	یاء	از سوره «یونس» تا پایان سوره «نحل»
۴	باء	از سوره «بنی اسرائیل» تا پایان سوره «فرقان»
۵	شین	از سوره «شُعراء» تا پایان سوره «یس»
۶	واو	از سوره «وَالصّافات» تا پایان سوره «حجرات»
۷	قاف	از سوره «ق» تا پایان سوره «ناس»

۱. مرقاة المصابیح (۱۵۰۲/۴).

فصل پنجم

إِسْنَاد در قرآن کریم

در این فصل، سه مبحث وجود دارد:

مبحث اول: اهمیتِ إسناد در قرآن.

مبحث دوم: علمایی که إسناد قرآن را نقل می کنند.

مبحث سوم: خردسالانی که إسناد قرآن را نقل می کنند.

اهمیت اسناد در قرآن

اسناد در قرآن یعنی عرضه کامل قرآن بر شیخی که آن شیخ نیز بر شیخ خود عرضه کرده باشد با سندی متصل که به پیامبر صلی الله علیه و سلم برسد.

امام سیوطی رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «اجازه دادن (در قرائت قرآن) همانند شهادتی از جانب شیخ است برای کسی که به او اجازه داده می‌شود»^۱.

قرائت قرآن به وسیله اجازه، سنتی است که سلف بر آن منوال رفته‌اند. ابن جزری رَحِمَهُ اللهُ (متوفای ۸۳۳ هـ) می‌گوید: «پیشینیان گفته‌اند: قرائت یک سنت تبعیّت شده است که هر نسل از نسل قبل از خود دریافت می‌کند»^۲.

از جمله فواید اجازه در قرآن عبارت است از:

۱. دریافت قرآن با سند متصل، از جمله وسایل حفظ کتاب خداوند است. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ «قطعاً ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن هستیم» این قضیه از جمله امتیازات خاصّ این امت است.
۲. اجازه در قرآن، از اسباب ادای صحیح و اتقان روایت است، و همچنین زیان را از خطا در تلاوت حفظ می‌کند.
۳. کسی که به او اجازه داده می‌شود به این شرافت دست می‌یابد که در سلسله حافظان کتاب خداوند با سند وارد شود.

۱. الإِتْقَانُ فِي عُلُومِ الْقُرْآنِ (۳۵۵/۱).

۲. النُّشْرُ فِي الْقِرَاءَاتِ الْعَشْرِ (۳۵/۱).

علمایی که اسناد قرآن را نقل می‌کنند

پیشینیان رَحْمَةُ اللهِ يادگیری قرآن را به عنوان یک اصل در ابتدای طلب علم قرار داده بودند. بنابراین قرآن را با سند متصل از علمای خویش دریافت کردند، و کسانی که پس از آن‌ها آمدند نیز از ایشان قرآن را دریافت کردند. از جمله آن‌ها:

۱. امام ابوحنیفه رَحْمَةُ اللهِ (ت ۱۵۰هـ): قرائت را به صورت عَرَضه از اَعْمَش و عاصم و عبد الرحمن بن اَبی لیلی رَحْمَةُ اللهِ روایت کرده است.

حسن بن زیاد رَحْمَةُ اللهِ قرائت را از وی نقل کرده است.^۱

۲. امام لیث بن سعد رَحْمَةُ اللهِ (ت ۱۷۵هـ): قرائت را به صورت عَرَضه از نافع رَحْمَةُ اللهِ روایت کرده است.

فرزندش شعیب و ابن وهب رَحْمَتُ اللهِ قرائت را از وی نقل کرده‌اند.^۲

۳. امام مالک رَحْمَةُ اللهِ (ت ۱۷۹هـ) : قرائت را به صورت عَرَضه از نافع بن اَبی نعیم رَحْمَةُ اللهِ روایت کرده است.

ابو عمرو الأوزاعی و یحیی بن سعید رَحْمَتُ اللهِ قرائت را از وی نقل کرده‌اند.^۳

۴. امام شافعی رَحْمَةُ اللهِ (ت ۲۰۴هـ) : قرائت را به صورت عَرَضه از اسماعیل بن عبد الله بن قُسْطَنْطِین رَحْمَةُ اللهِ روایت کرده است.

محمّد بن عبد الله بن عبد الحکم رَحْمَةُ اللهِ قرائت را از وی نقل کرده است.^۴

۵. امام ابو عبد الله الواقیدی رَحْمَةُ اللهِ (ت ۲۰۷هـ) - صاحب کتاب المَغَازِی والسَّیَر - : قرائت را از نافع بن اَبی نعیم و عیسی بن وَرْذَان و سلیمان بن مسلم بن جَمَّاز از ابو جعفر و شِیْبَة رَحْمَتُ اللهِ روایت کرده است.

کاتب وی، محمّد بن سعید رَحْمَةُ اللهِ قرائت را از وی نقل کرده است.^۵

۶. ابو عبید القاسم بن سلام رَحْمَةُ اللهِ (ت ۲۲۴هـ): قرائت را به صورت عَرَضه و سماع از علی بن حمزة الکسائی و شجاع بن اَبی نصر و سلیمان بن حَمَّاد و اسماعیل بن

۱. غایة النهاية في طبقات القراء (۳۴۲/۲).

۲. غایة النهاية في طبقات القراء (۳۴/۲).

۳. غایة النهاية في طبقات القراء (۳۶/۲).

۴. غایة النهاية في طبقات القراء (۹۵/۲).

۵. غایة النهاية في طبقات القراء (۲۱۹/۲).

جعفر و حجاج بن محمد و هشام بن عمار و عبد الأعلى بن مسهر و سلیم بن عیسی و یحیی بن آدم رَحِمَهُمُ اللَّهُ روایت کرده است.

احمد بن ابراهیم وراق خلف و احمد بن یوسف التغلبی و علی بن عبد العزیز البغوی و دیگران رَحِمَهُمُ اللَّهُ قرائت را از وی نقل کرده‌اند.^۱

۷. یونس بن عبد الأعلى الصّدفی رَحِمَهُ اللَّهُ (ت ۲۶۴هـ): قرائت قرآن را نزد ورش و معلی بن دحیة رَحِمَهُمُ اللَّهُ فرا گرفت و به مردم اقراء نمود.^۲

۸. ابو حاتم الرازی رَحِمَهُ اللَّهُ (ت ۲۷۷هـ): قرائات را از طریق سماع از ابو زید سعید بن أوس الأنصاری، و از ابو عمرو، و از المفضل الضبی، و از خلّاد بن خالد فرا گرفت.

ابوبکر بن مجاهد در کتاب خود به صورت اجازه، قرائت وی را نقل کرده است.

عبد الله بن محمد القزوی و خضر بن الهیثم الطوسی رَحِمَهُمُ اللَّهُ قرائت وی را از طرق سماع نقل کرده‌اند.^۳

۹. امام ابن جریر طبری رَحِمَهُ اللَّهُ (ت ۳۱۰هـ) - صاحب تفسیر -: قرائت را از ابن خلّاد و عباس بن الولید بن مزید در بیروت، و از عبد الحمید بن بکار رَحِمَهُمُ اللَّهُ فرا گرفت.

هم‌چنین به صورت سماع، قرائت را از عباس بن الولید و یونس بن عبد الأعلى و ابی کریب محمد بن العلاء و احمد بن یوسف التغلبی نقل کرده است.

محمد بن أحمد الدّاجونی و عبد الواحد بن عمر و عبد الله بن احمد الفرغانی و ابن مجاهد قرائت وی را روایت کرده‌اند.

هم‌چنین محمد بن محمد بن فیروز الکرّجی و احمد بن عبد الله الجبّی نزد او قرائت کرده‌اند.

وی کتابی نیکو درباره قرائات تصنیف نمود و آن را «الجامع» نام نهاد.^۴

۱۰. امام ابن خزیمة رَحِمَهُ اللَّهُ (ت ۳۱۱هـ): قرائت را به صورت عرضه از عمران بن موسی القزّار رَحِمَهُمُ اللَّهُ روایت کرده است.

۱. غایة النهاية في طبقات القراء (۱۷/۲).

۲. معرفة القراء الکبار (ص ۱۱۲).

۳. غایة النهاية في طبقات القراء (۹۷/۲).

۴. غایة النهاية في طبقات القراء (۱۰۶/۲).

ابوبکر النقّاش رَحِمَهُ اللهُ قرائت وی را از طریق عرضه نقل کرده است.^۱

۱۱. امام الدّارقطنی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۳۸۵هـ) -صاحب السنن-: قرائت را از طریق عرضه نزد ابی بکر النقّاش و ابی الحسن احمد المنادی و محمّد بن الحسین الطّبری و محمّد بن عبد الله الحری و دیگران رَحِمَهُمُ اللهُ فراگرفت.

او در اواخر عمرش مشغول آموزش قرائت شد، و کتابی ارزشمند و بی نظیر در علم قرائات تدوین نمود. وی اولین فردی است که ابواب اصول را قبل از قرش قرار داد.^{۲ ۳}

۱۲. امام ابن مندّه رَحِمَهُ اللهُ (ت ۳۹۵هـ) : قرائت را از علی بن جعفر البغدادی در مصر، و محمّد بن محرم الجهوری و محمّد بن حامد البغدادی و محمّد بن یعقوب الأصم، و عقیل بن یحیی از قتیبة رَحِمَهُمُ اللهُ روایت کرده است.

پسرش اسحاق، و احمد بن الفضل الباطرقانی رَحِمَهُمُ اللهُ قرائت را از وی نقل کرده‌اند.^۴

۱۳. ابو عبد الله حاکم نیشابوری رَحِمَهُ اللهُ (ت ۴۰۵هـ) - صاحب المُستدرک - : قرائت را از طریق عرضه نزد احمد الصرام، و ابو بکر مُحمّد بن العباس در خراسان، و ابو عیسی بَکّار بن محمّد در بغداد، و ابو علی النّقار در کوفه، و محمّد بن الحسین النوقانی، و ابو الحسن محمّد الکاظمی رَحِمَهُمُ اللهُ فراگرفت.^۵

۱۴. ابو نُعیم الأصبهانی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۴۳۰هـ) : قرائات را به صورت سماع از امام طبرانی رَحِمَهُ اللهُ فراگرفت.^۶

ابو القاسم الهذلی رَحِمَهُ اللهُ قرائات را به صورت سماع از وی روایت نموده است.

۱۵. ابو عمرو دانی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۴۴۴هـ) : روایات را نزد ابو الحسن طاهر ابن غلبون خواند، و ورش را نزد ابو القاسم خَلَف ابراهیم بن خاقان و سَلَمَة بن سعید الإمام و سَلْمُون بن داود القروی و ابو الحسن علی بن محمّد القابسی و دیگران رَحِمَهُمُ اللهُ خوانده است.

ابو بکر ابن الفصیح و ابو داود سلیمان بن ابی القاسم نجاح و ابو بکر مُحمّد بن

۱. غایة النهاية في طبقات القراء (۹۷/۲).

۲. فرش: مصدر فَرَش به معنای نشر (منتشر شدن) است. اکثر قُرّاء، اصطلاح فرش را درباره مسائل مطرح شده (درباره چگونگی تلفّظ کلمات قرآن نزد قُرّاء) به کار می برند؛ چرا که این مسائل (کلمات) در قرآن پراکنده و منتشر هستند. شرح طيبة النشر، نویری (۱۴۲/۲).

۳. غایة النهاية في طبقات القراء (۵۵۸/۱).

۴. غایة النهاية في طبقات القراء (۹۸/۲).

۵. غایة النهاية في طبقات القراء (۱۸۴/۲).

۶. غایة النهاية في طبقات القراء (۷۱/۱).

المفرج البطلیوسی و افراد بسیار زیادی نزد وی قراءات را خوانده‌اند.^۱

۱۶. امام یوسف بن علی بن جبارة الهذلی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۴۶۵هـ) - مؤلف کتاب «الکامل فی القراءات العشر» - : او در این کتاب درباره خودش می نویسد: به طور کلی تعداد کسانی که در این علم، ملاقات کردم ۳۶۵ شیخ هستند که آن‌ها را در نقاط مختلف دیدار کردم؛ از آخرین نقطه مغرب (مراکش) گرفته تا دروازه فرغانه، به سمت راست و چپ، و کوه و دریا. و اگر می دانستم کسی در این طبقه بر من تقدّم دارد، در هر جای سرزمین اسلامی باشد به سوی او می‌رفتم».

ابن جزری رَحِمَهُ اللهُ می نویسد: «در این امت کسی را نمی‌شناسم که مانند او برای علم قراءات سفر کرده باشد. و همچنین کسی را نمی‌شناسم که مانند او این تعداد شیوخ را ملاقات کرده باشد.» سپس می فرماید: «این‌گونه همت بزرگان در طلب علم را می بینی».^۲

۱۷. ابو الوفاء ابن عقیل حنبلی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۵۱۳هـ) : قراءات را نزد ابو الفتح بن شیطان رَحِمَهُ اللهُ فرا گرفت.

مبارک بن احمد بن الإخوة رَحِمَهُ اللهُ قرائت را از وی آموخت.^۳

۱۸. امام شاطبی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۵۹۰هـ) : کرسی اقراء در مصر را بر عهده داشت، و ریاست اقراء به او ختم می شد. وی صاحب قصیده «حِرْزُ الْأَمَانِي وَوَجْهُ التَّهَانِي فِي الْقِرَاءَاتِ» مشهور به «الشاطبية» است.

وی قراءات را نزد ابو عبد الله محمد بن علی النفزی و ابو الحسن علی بن محمد بن هذیل الأندلسی و ابو الحسن ابن النعمة و ابو محمد بن عاشر و دیگران رَحِمَهُمُ اللهُ فرا گرفت.

ابو الفضل عیسی بن یوسف البلبیسی و ابو الحسن علی بن مُحَمَّد السَّخاوی و ابو عبد الله مُحَمَّد بن عمر القُرطبی و الکمال علی بن شجاع العباسی و دیگران رَحِمَهُمُ اللهُ قراءات را نزد او آموختند.^۴

۱۹. ابن حاجب مالکی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۶۴۶هـ) : قرآن را همراه با برخی از روایات نزد شاطبی رَحِمَهُ اللهُ خواند، و تمام قراءات را نزد ابو الفضل الغزنوی و ابو الجود رَحِمَهُمُ اللهُ فرا گرفت.^۵

۱. سیر أعلام النبلاء (۷۷/۱۸)، تاریخ الإسلام (۶۵۹/۹).

۲. غاية النهاية في طبقات القراء (۳۹۸/۲).

۳. غاية النهاية في طبقات القراء (۳۹۸/۲).

۴. وفیات الأعیان (۷۱/۴)، تاریخ الإسلام (۹۱۳/۱۲)، سیر أعلام النبلاء (۲۶۱/۲۱).

۵. غاية النهاية في طبقات القراء (۵۸۰/۱).

۲۰. ابن مالک الجبائی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۶۷۲هـ) - صاحب الفیه در علم نحو - : قرائات را از ثابت بن خیار رَحِمَهُ اللهُ فراگرفت.^۱

۲۱. ابراهیم بن داود الفاضلی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۶۹۲هـ) : قرائات سبع را هفت مرتبه نزد سخاوی رَحِمَهُ اللهُ خواند.^۲

۲۲. ابو حیان نحوی الأندلسی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۷۴۵هـ) : قرائات سبع را در شهر خود نزد عبد الحق الأنصاری و احمد الطباع و الأستاذ ابو جعفر احمد الزبیر و دیگران رَحِمَهُمُ اللهُ خواند.

سپس قرائات سبع را نزد اسماعیل الملیحی رَحِمَهُ اللهُ خواند.

همچنین قرائات را به صورت اجازه از علی بن احمد المقدسی از الکندی رَحِمَهُمُ اللهُ روایت کرده است.

احمد بن محمد بن نحلة الدمشقی و ابو بکر الشّمسى و ابو الفتح محمد بن عبد اللطیف السّبکی و محمد بن احمد اللّبان و افراد زیاد دیگری رَحِمَهُمُ اللهُ نزد او قرآن را خوانده‌اند.^۳

۲۳. امام ذهبی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۷۴۸هـ) : از کوچکی به دنبال آموختن قرائات بود و به طریقه جمع، یک ختم را نزد العَلَم طَلْحَة الدّمیاطی رَحِمَهُ اللهُ خواند. به بعلبک سفر کرد و به طریقه جمع نزد الموقّق النّصیبی رَحِمَهُ اللهُ خواند. به اسکندریه سفر کرد و نزد سحنون و یحیی بن الصّواف رَحِمَهُمُ اللهُ بعضی از قرائات را خواند.^۴

۲۴. حافظ عبد الرحیم بن الحسین العراقی رَحِمَهُ اللهُ (ت ۸۰۶هـ) : قرائات سبع را به صورت کامل نزد عبد الرحمن بن احمد البغدادی خواند.^۵

۲۵. امام ابن جزری رَحِمَهُ اللهُ (ت ۸۳۳هـ) : قرائات را از شیخ ابو محمد عبد الوهّاب بن السّلالر و شیخ احمد بن ابراهیم بن الطّحان و ابو المعالی بن اللّبان و ابو بکر عبد الله بن الجندی رَحِمَهُمُ اللهُ فراگرفت.

۱. غایة النهاية في طبقات القراء (۱۸۰/۲).

۲. المعجم المختص (ص ۵۴).

۳. غایة النهاية في طبقات القراء (۲۸۵/۲).

۴. غایة النهاية في طبقات القراء (۷۱/۲).

۵. غایة النهاية في طبقات القراء (۳۸۲/۱).

وی در مکه و مدینه و قاهره و اسکندریه و دمشق و بصره و بُرصه^۱ و خراسان^۲ و اصفهان^۳ و هرات^۴ و یزد^۵ و شیراز^۶ و سمرقند^۷ و ماوراء النهر^۸ به إقراء پرداخت.

ایشان منظومه «الدَّرَةُ الْمُضِيَّةُ فِي الْقِرَاءَاتِ الثَّلَاثِ الْمُتَمِّمَةِ لِلْعَشْرِ» را در شهر عنیزه در قسیم سروده است.

و کتاب «نَشْرُ الْقِرَاءَاتِ الْعَشْرِ» را در دو جلد، و مختصر آن «التَّقْرِيب»، و همچنین «تَحْيِيرُ التَّيْسِيرِ فِي الْقِرَاءَاتِ الْعَشْرِ» را در مدینه به نگارش در آورد.

ابو بکر بن مُصَبِّحَ الحَمَوِي و احمد بن محمود الحجازی الصَّرِير و المُحَبِّ مُحَمَّدُ ابْنِ الهایم و الخطیب مؤمن بن علی الرُّومِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ قرائات را نزد وی خوانده‌اند.^۹

۲۶. زکریّا الأنصاری رَحِمَهُ اللَّهُ (ت ۹۲۶ هـ) : قرائات سبع را نزد الثُّور البلبیسی و الزَّین رضوان و الشَّهاب القلقیلی السَّکندری خواند، و قرائات ثلاث را نزد الزَّین طاهر بن محمد التَّویري رَحِمَهُمُ اللَّهُ فرا گرفت.

مُحَمَّدُ بن سالم الطَّبلاوی و مُحَمَّدُ بن محمد البَغْلِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ نزد وی قرائت کرده‌اند.^{۱۰}

۲۷. شیخ عبد الرحمن بن حسن بن مُحَمَّدُ بن عبد الوهَّاب رَحِمَهُمُ اللَّهُ (ت ۱۲۸۵ هـ) : ابتدای قرآن را بر شیخ ابراهیم العَبیدی رَحِمَهُمُ اللَّهُ شیخ مصر در قرائات خواند.^{۱۱}

۱. اکنون «بورصه» نامیده می‌شود و در ۱۵۰ کیلومتری جنوب استانبول قرار دارد.

۲. شمال شرق ایران.

۳. ۴۰۰ کیلومتری جنوب تهران.

۴. شمال غرب افغانستان.

۵. ۳۰۰ کیلومتری جنوب شرق اصفهان.

۶. ۴۸۰ کیلومتری جنوب اصفهان.

۷. شهری است در ازبکستان.

۸. بلاد ماوراء النهر؛ به شهرهایی گفته می‌شود که در شرق رود «جیحون» قرار دارد. امروزه به این رود «آمودریا» گفته می‌شود.

سرزمین‌های ماوراء النهر در آسیای میانه واقع شده‌اند؛ که هم اکنون شامل ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و جنوب غرب قزاقستان می‌گردد.

۹. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع (۲۵۵/۹)، طبقات المفسرین، داووی (۶۴/۲)، غایة النهاية فی طبقات القراء (۲۴۷/۲).

۱۰. معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ (۱۶۸/۲)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع (۲۳۴/۳)، ثبت زکریا الأنصاری (ص ۱۰۱، ۱۱۶)، شذرات الذهب (۱۸۶/۱۰)، الکواکب السائرة بأعیان المائة العاشرة (۱۹۸/۱).

۱۱. الدرر السنية (۴۰۵/۱۶).

۲۸. شیخ عبد اللطیف بن عبد الرحمن بن حسن بن محمد بن عبد الوهّاب رَحِمَهُ اللهُ
(ت ۱۲۹۳هـ): قرائات را نزد سلمونه رَحِمَهُ اللهُ خواند.^۱

۱. فیض الملك الوهاب المتعالی (ص ۱۰۳۸).

خردسالانی که اسناد قرآن را نقل می‌کنند

خداوند، تلاوت و حفظ قرآن را برای مسلمانان آسان قرار داده است. همان‌گونه که بزرگسالان، قرآن را حفظ می‌کنند، خردسالان نیز آن را حفظ می‌کنند. ابو محمد عبد الله بن محمد الأصبهانی در حالی که پنج ساله بود قرآن را حفظ کرد.^۱ خردسالان به سمت حمل اسناد قرآن شتافتند؛ از جمله آن خردسالان:^۲

۱. عبد الصّمد بن عبد الرّحمن الأندلسی الأثینی رَحِمَهُ اللهُ: قرآن را به صورت تلاوت از پدرش روایت نمود، و چند کتاب را از وی شنید، در حالی که سنّش کمتر از ده سال بود.

ابو حیان رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «با این وجود، مردم از او روایت می‌کردند».^۳

۲. زید بن الحسن بن زید ابن حمّیر الكِنْدِيّ البغدادي رَحِمَهُ اللهُ: قرآن را با روایات عشر خواند در حالی که ده سال داشت.

ذهبی رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «این چیزی است که هیچ کس قبل از این به دست نیاورده است. او سپس زندگی کرد تا این که اسناد عالی در قرائات و حدیث به او ختم می‌شد».^۴

۳. علی بن الحسن الحَضْرَی رَحِمَهُ اللهُ: قرآن را نزد عبد الرّحمن بن الحسن الخزرجی و همچنین نزد نِعَم الخَلَف بن محمد الأنصاری خواند، در حالی که ده ساله بود.^۵

۴. محمد بن احمد الموصلی -ملقب به «شعلة»- : در کوچکی قرائات را نزد علی بن عبد العزيز الأربلی خواند.^۶

۵. محمد بن احمد الصّائغ: قرآن را همراه با قرائات نزد علی ابن ناشرة تا سوره فجر خواند، سپس او را از ختم منع کرد؛ گویا او را برای «اجازه» کوچک می‌دانست.

صائغ می‌گوید: این قضیه بر من سنگین آمد. به نزد شیخمان الکمال الصّیرر^۷ رفتم و قضیه را گفتم.

۱. المقنع فی علوم الحديث (۲۹۲/۱).

۲. بر اساس سنّ آن‌ها در هنگام اخذ سند، از کوچک به بزرگ ترتیب بندی شده است.

۳. غاية النهاية فی طبقات القراء (۵۳۱/۱).

۴. سير أعلام النبلاء (۳۴/۲۲).

۵. غاية النهاية فی طبقات القراء (۵۳۱/۱).

۶. غاية النهاية فی طبقات القراء (۸۰/۲).

۷. الضریر یعنی نابینا. (مترجم)

او می‌گوید: فردا صبح وقتی شیخ آمد، من به سوی الکمال الصّریر رفتم و دستش را گرفتم و او را تا کنار ابن ناشرة همراهی کردم. آن دو مدّتی با هم صحبت کردند. سپس (الکمال) گفت: چرا به این (بچه) اجازه نمی‌دهی تا ختم کند؟

او گفت: سرورم، مردم زیاد هستند و این (بچه) کوچک است، و خدا می‌داند این‌ها که نزد ما خوانده‌اند کی منقرض می‌شوند.

صائغ می‌گوید: شیخ الکمال زانوهایش را گرفت و گفت: گوش بده، ما به هر کسی که حرکت می‌کند^۱ اجازه قرائت می‌دهیم، به امید این که در میان آن‌ها شخصی پیدا شود که به مردم نفع برساند و ما به وسیله او یاد شویم، و تو چه می‌دانی شاید آن یک نفر همین باشد، و به من اشاره کرد.

صائغ می‌گوید: به خدا قسم این یک مکاشفه^۲ از جانب شیخ کمال الدین بود؛ چرا که اکنون هیچ کس از آن مردمان بر روی زمین باقی نمانده است تا از آن دو روایت کند به جز من.^۳

از خداوند می‌خواهم حفظ کتابش را روزی ما قرار دهد؛ حفظی مُتَقَن، همراه با تدبّر و عمل به آن.

وَصَلَّى اللّهُ وَسَلَّم عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

-
۱. یعنی ما به همه قرائت می‌آموزیم؛ چه کوچک باشد، چه بزرگ.
 ۲. مکاشفه: عبارت از بیان چیزی است که بر انسان پوشیده است؛ در نتیجه برای یک بنده، حجاب از آن برداشته می‌شود به گونه‌ای که گویا آن را با چشم می‌بیند. شیخ الإسلام رَحِمَهُ اللّهُ می‌گوید: «چیزهایی که جزء خوارق در باب علم هستند: برخی مواقع این گونه است که بنده چیزی می‌شنود که دیگران نمی‌شنوند. و برخی مواقع این گونه است که بنده چیزی می‌بیند که دیگران آن را نمی‌بینند؛ چه حالت بیداری و چه در حالت خواب. و برخی مواقع این گونه است که بنده چیزی می‌داند که دیگران آن را نمی‌دانند؛ چه به صورت وحی و چه به صورت الهام، یا انزال علم ضروری، یا به صورت فراست صادق. این‌ها کشف و مشاهدات و مکاشفات و مخاطبات نامیده می‌شود. بنابراین، شنیدن همان مخاطبات است، و دیدن همان مشاهدات، و علم نیز همان مکاشفه است. و همه این‌ها را کشف و مکاشفه می‌نامند؛ یعنی آن قضیه برای او آشکار گردید». مجموع الفتاوی شیخ الإسلام (۳۱۳/۱۱)، حیاة القلوب فی کیفیة الوصول إلى المحبوب (۲/۲۷۳).
 ۳. غایة النهاية فی طبقات القراء (۳۸۰/۱).

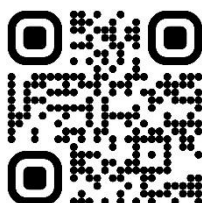
فهرست

۱.....	مقدمه
۳.....	موضوعات کتاب
۵.....	فصل اول قرآن کریم
۶.....	جایگاه قرآن
۷.....	صفات قرآن
۸.....	اعجاز قرآن
۱۰.....	حکمت نزول قرآن
۱۱.....	شادمانی به خاطر قرآن
۱۲.....	فصل دوم یادگیری قرآن
۱۳.....	مجالس قرآن
۱۴.....	فضیلت یادگیری قرآن
۱۶.....	فضیلت تلاوت قرآن
۱۷.....	فضیلت حفظ قرآن
۱۹.....	خشیت هنگام تلاوت قرآن
۲۱.....	منزلت دوست قرآن
۲۳.....	فصل سوم آسان‌ترین روش برای حفظ قرآن کریم
۲۴.....	قواعد و ضوابط حفظ قرآن
۲۵.....	مقدار حفظ روزانه
۲۶.....	روش حفظ قرآن
۲۹.....	روش مراجعه حفظ جدید
۳۰.....	جمع کردن میان حفظ و مراجعه
۳۲.....	چگونه متشابهات را تشخیص دهیم؟
۳۳.....	فصل چهارم آسان‌ترین روش برای مراجعه قرآن کریم
۳۴.....	اهمیت مراجعه قرآن کریم
۳۵.....	روش اِتقان حفظ قرآن
۳۶.....	در چند روز قرآن را ختم کنی؟

۳۷.....	فصل پنجم اسناد در قرآن کریم
۳۸.....	اهمیت اسناد در قرآن
۳۹.....	علمایی که اسناد قرآن را نقل می‌کنند
۴۶.....	خردسالانی که اسناد قرآن را نقل می‌کنند
۴۸.....	فهرست

انتشارات طالب العلم

۰۰۹۶۶۵۰۶۰۹۰۴۴۸



اِنَّهَا لِطَائِفَةٌ

لِحِفْظِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

مترجم بالفارسي



از منشورات ما



a-alqasim.com



FawaidAlQasim